**بیماری قاآنی و پرستاری یغما**

**یغما جندقی**

 (\*)نامه‏ای است با خط خوش و انشای خوشتر،از یغما،حاکی از دوستی و هم‏خانگی یغما و قا آنی.از بقائی نائینی شاعر استاد امتنان است که آن را به مجله دادند.

یغما » شماره 303 (صفحه 545)

امیدگاها، تا نپنداری اینچند روزه دانسته و توانسته دیر و دور ماندم، و از فرخ دیدار و فرخنده گفتارت که رامش دل و جان است،و آرامش دل و جان است،و آرامش تن و روان، کر و کور.

دارای سخن،دانای کهن،قاآنی، که از دیرباز با هم همخانه‏ایم و پرواز اندیش یک آشیانه؛ به رنجی گران گزند انباز بستر و بالش افتاد، و با شکنجی دشوار درمان،دمساز فریاد و نالش. از در پاس بستگی،و چارهء خستگی، با آنکه از من رنجی نزداید و غنجی‏1بفزاید؛ بار بیمار داری می‏بردم و کار پرستاری می‏کردم. دو روزی است تاب لرزه در کار کاستن است،و افتاده را-بخواست خدا-هنجار خاستن. با این فروماندگی که دیده و دانند و نگفته نیز شناخت توانند؛ بپایمردی دستواره‏2،بدرود بنگاه خود گفتم، و راه فرگاه‏3سر کاری گرفتم. نزدیک دروازه شمیران دوستی فراز آمد،باندیشهء من آگاه گشت.گفت: آنرا که به دل پویانی و بجان جویان، با جوانی سبزه فام که ریشی کم و سیاه،و بالا پوشی آبی و کوتاه داشت، فرا پیش گرمابهء حاجی دیدم. گویا با بستگان بندگان امامش کاری بود،یا با دیگرانش بازاری. همی‏دانم که از این رفت و اندازت‏4سودی جز رنج بی‏گنج نخواهد رست، و از این پر و پروازت سایهء آن همایون همای چرخ سربلندی بر تارک کامکاری نخواهد افتاد. امروز و امشب-تلخ یا شیرین-با ما انباز نان و نمک زی؛ و فردا بامدادان بخواست پاک یزدان-و رهنمونی بخت فرخ، دوست را رخ بر آستان و سر بر آسمان سای. ناگزیرم؛در کوی آن دوست،رای درنگ،بر ساز شتاب پیشی گرفت، و جان فرسوده-با کاهش امروز-به یاد رامش فردا،با آرامشی نغز و زیبا خویشی. چون بزم تاریک است و نوبت دریافت نزدیک، زبان گزارش در کام و دست نگارش در آستین خوشتر. کمترین بنده مستمند یغما

(1)-غنج:بیمارناک-دردمند.

(2)-دستواره:عصا.

(3)-فرگاه:حضور- عبادت.

(4)-انداز:قصد و میل.(این نامه به پارسی ناب است)